مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

روزنامه اجتماعی- سیاسی- فرهنگی و اقتصادی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول: مصطفی کواکبیان

نشانی اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalaridaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalaridaily1
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ‌فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹- ۸۸۲۸۸۲۲۶
فکس: ۸۸۲۶۳۰۹۴
رتبه روزنامه: ۳
چاپ: نشر ریحان- تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اذان صبح: ۵/۳۹ طلوع آفتاب: ۷/۱۱ اذان‌ظهر: ۱۲/۰۳ اذان مغرب: ۱۷/۱۴
پنجشنبه ۲ دی ۱۴۰۰-۱۸ جمادی‌الاولی ۱۴۴۳ -۲۳ دسامبر ۲۰۲۱- شماره ۵۶۱۱

حدیث روز

حضرت محمد (ص):

سه کسند که روز قیامت هم صحبت خدایند
کسی که میان دو تن سخن چینی نکند و کسی که هیچ وقت به فکر زنا نیفتاده باشد و کسی که کسب خود را به ربا نیامیخته باشد.

(نهج الفصاحه)

داستان هفته

مرثیه‌ای برای خاطره‌ها

علی یار زارعی

ایستاده‌ام و به ساختمان روبه رویم نگاه می‌کنم. ساختمان نیمه ویرانی که روزگاری سینما بود سینمایی یادآور دوران خوش کودکی و نوجوانی .تنها سینمای شهرم هفتکل. سینمایی که پس از خروج شرکت نفت روی خوش ندید. همینطور که به ساختمان مخروبه که هر لحظه دیوارهایش فرو می‌ریزد نگاه می‌کنم تمام خاطره‌های خوش گذشته در ذهنم تازه می‌شوند و شخصیت‌های اصلی فیلم‌هایی که دیده‌ام در دیدگانم جان می‌گیرند و با من حرف می‌زنند.
اسپارتاکوس از مبارزه‌اش با برده‌داران می‌گوید. ربه‌کا، زنی که خاطره‌ی همسر سابق شوهرش همیشه با او بود، از رازی سربه مهر می‌گوید. دکتر روان پریش فیلم طلسم شده از آشفتگی حالش می‌گوید. «ایتان» شخصیت اصلی فیلم جویندگان از تلاشش برای یافتن برادرزاده‌ی ربوده شده‌اش می‌گوید. اسکاتی کارآگاه بازنشسته‌ای که سرگیجه داشت از فریبی که خورده بود و عشقی که به زن فریب دهنده‌اش داشت می‌گوید. در میان نعره‌ی تارزان که با طناب از درختی به درخت دیگر می‌پرد هرکول و ماسیست را می‌بینم که صخره‌های سنگی را جابه جا می‌کنند و سوپرمن را که با یک جست به هوا می‌پرد و کارهای عجیب و باورنکردنی می‌کند. بولدوزر که برای خراب کردن دیوارهای سینما می‌آید همه‌ی آنها جلواش می‌ایستند. صدایی که می گوید: «به چه فکر می‌کنی؟» مرا از دنیای شیرین خیال بیرون می‌آورد. دوستم است؛ دوستی که از دیروز تا به حال مرا در فکر و خیال فرو برده با خبری که بسیار دردناک و غم انگیز بود. بی‌آن‌که سر برگردانم و نگاهش کنم می‌گویم: «تا کی نوبت خراب کردن سینما بشه».
نگاه نکرده به من، چشم به روبه رو دوخته، می‌گوید: «فعلا» که همه‌ی ساختمون‌ها روخراب کرده‌ن، درختارو بریدن».
این خبر را پیش‌تر به من داده بود، خبری که هنوز ذهنم را به بازی گرفته.

***

هنوزخورشید به نیمه‌ی آسمان نرسیده و تا رسیدن به نیمروز سینه‌سایان پیش می‌رفت. باد پاییزی نرم، نرمک می‌وزید و خبر از برگ‌ریزان داشت. در، که به صدا درآمد تکان خوردم. به دور و بر نگاه کردم، برخاستم و آرام، آرام به سوی در رفتم. در که باز شد آن‌سو دوستم را دیدم. پریشان بود و آشفته.
توی چهره‌اش غم موج می‌زد. لابلای خطوط چهره‌اش می‌شد تشویش را دید. پیش از آن که چیزی بپرسم گفت: «خراب کردن، بریدن».
با اضطراب گفتم:«چی‌رو خراب کردن؟چی رو بریدن؟»
با صدایی گرفته و بغض آلود گفت: «درخت‌ها را بریدن، همه چیز رو خراب کردن بیا ببین محوطه به چه صورتی دراومده».
از موج غم که در صدایش طنین‌انداز بود می‌توانستم حدس بزنم که چه اتفاق بدی افتاده، باید می‌رفتم و می‌دیدم اما ای کاش نمی‌رفتم و نمی‌دیدم. درخت‌های کهنسال، درخت‌های تناور سر به آسمان ساییده که شاید عمری به قدمت تاریخ محله داشتند از بیخ کنده شده بودند. از جایی نزدیک ریشه قطع شده بودند. هنوز از دور دست صدای اره برقی می‌آمد و افتادن درخت‌های بلند و قطور و صدای برخورد تبر بر تنه‌ی درختان. درختانی که زمانی سایه‌سار رهگذران بودند. درختانی که به شهر زیبایی خاصی داده بودند. چه روزهایی که آدم‌های خسته، رهگذران گریزان از گرمای تابستان، عرق ریزان و به جان آمده از سوزش تابش آفتاب بر پیکرشان، لختی در زیر سایه درختان می‌آرمیدند تا آرامشی یابند. عرق تنشان خشک شود و نفسی تازه کنند.
از مردی که آن جا ایستاده بود و به کارگران فرمان می‌داد چه کنند و چه نکنند پرسیدم: «به جای این درخت ها می‌خوان چی بکارن؟»
خندید و گفت: «آپارتمان».
لحنش بسیار تلخ و گزنده بود، خنده‌اش تمسخرآمیز بود. گفته‌اش چون نیشتر که به تن فرو رود زخم کند، بخراشد و سوزشش، دردش آزاردهنده باشد انگار در قلبم فرو رفت.
دوستم گفت: «بیا بریم جلوتر، دارن ساختمونارو خراب می‌کنن» . از دور صدای بولدوزر می‌آمد و خراب شدن ساختمان‌ها و ریختن آواری از سنگ و خاک و برخاستن گرد وغبار. آشفته حال و پریشان بودم و حال خودم را نمی‌فهمیدم. بولدزری آماده بود تا دیوار ساختمانی را فرو بریزد، ساختمانی قدیمی با نقش و نگارهای قشنگ و فریبا، با کاشی‌کاری‌های خوشرنگ برگرفته از معماری دوره‌های پیشین.
از فکر این‌که تا لحظه‌ای دیگر همه‌ی آن زیبایی و فریبایی محو و نابود می‌شود و آن ساختمان قدیمی چون ویرانه‌ای در هم می‌ریزد، دلم گرفت غم به دلم چنگ انداخت، حالم داشت به هم می‌خورد انگار دلم را می‌تراشیدند، انگار چیزی از توی دلم بالا می‌آمد و نیمه راه توی گلویم گیر می‌کرد به دوستم «گفتم بریم دیگه نمی‌تونم این چیزهارو ببینم.»*
صدای دوستم مرا به خود آورد: «بیا بریم».
من هنوز ایستاده‌ام. در این فکرم که هم اینک در کدام شهرها، در کدام محله‌ها درختان با جور تبر فرو می‌ریزند، با اره برقی قطعه قطعه می‌شوند و کدام سینماها با یورش بولدوزر ویران می‌شوند. به سینما نگاه می‌کنم و به فیلم‌هایی فکر می‌کنم که خاطره‌ساز زندگی‌ام شده‌اند.

طرح روز

داریو کاستیلجوس

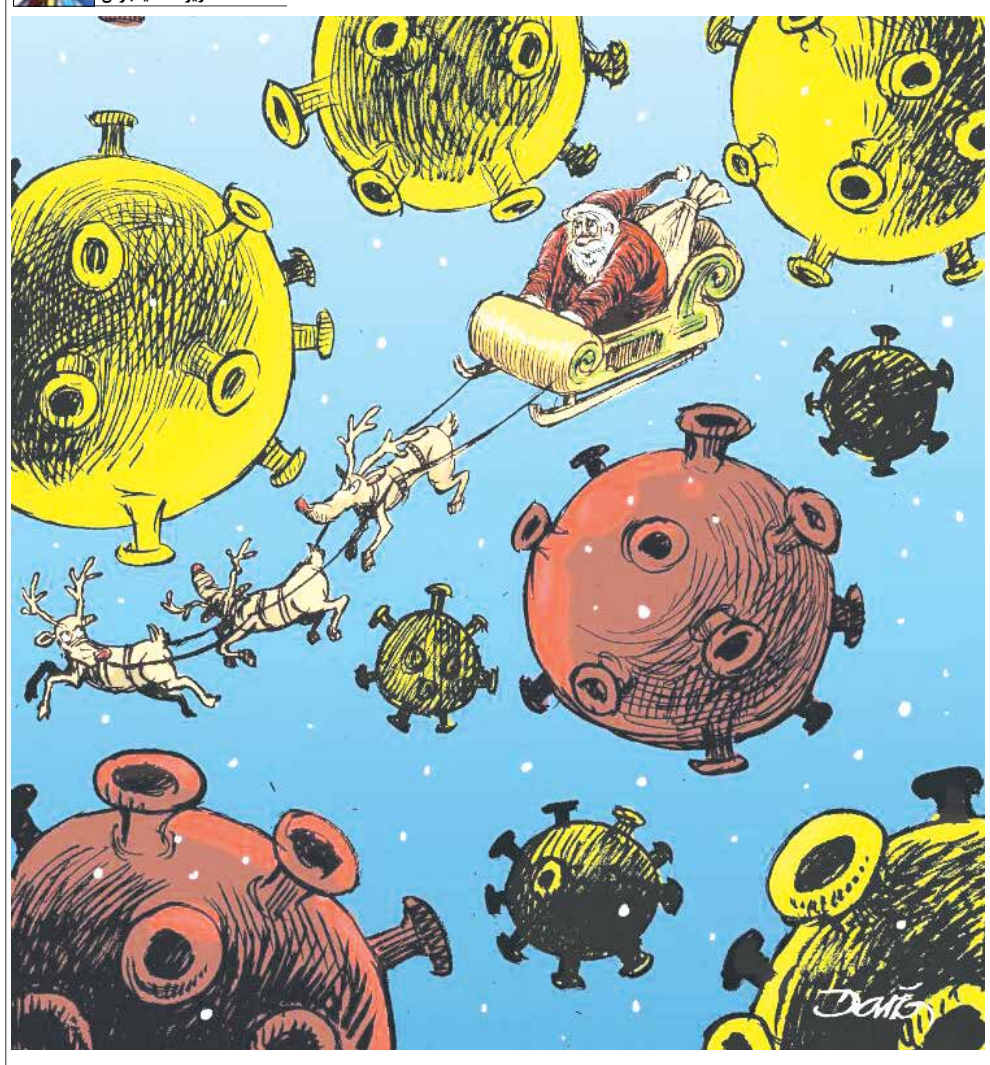

ادامه همه‌گیری ویروس کرونا در جهان، اوج‌گیری سویه امیکرون در آستانه کریسمس و تشدید محدودیت‌ها در اروپا

فناوری

حسگرهای زیستی جدیدی که میزان سمی بودن داروها را تشخیص می‌دهند

پژوهشگران استرالیایی و آمریکایی، حسگرهای زیستی جدیدی ابداع کرده‌اند که می‌توانند میزان سمی بودن داروها را تشخیص دهند. به گزارش ایسنا به نقل از ساینمگ، پژوهشگران استرالیایی، حسگرهای زیستی جدیدی ابداع کرده‌اند که واکنش‌های رنگی یا الکتریکی را در مورد داروهای سرطان، التهاب مفصل و پیوند اعضا نشان می‌دهند. این گروه پژوهشی وابسته به سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی همسود (CSIRO) با همکاری دانشگاه کلارکسن آمریکا، روش خود را برای ساخت حسگرهای زیستی مولکولی کوچک نشان داده‌اند. این حسگرها، پروتئین‌های مصنوعی هستند که برای درک نشانگرهای زیستی و ارائه واکنش‌های قابل اندازه‌گیری طراحی شده‌اند. حسگرهای زیستی در دو آزمایش جداگانه، برای اندازه‌گیری دقیق داروهای سرکوب‌کننده ایمنی موسوم به سیکلوسپورین، تاکرولیموس و راپامایسین و همچنین، داروی ضد سرطان متوترکسات به کار رفتند که برای کاهش میزان سمی بودن و آسیب رساندن به اندام، به نظارت دقیق نیاز دارند. پروفسور کریل الکساندروف پژوهشگر ارشد این پروژه گفت: حسگرهای زیستی پروتئینی با فراهم کردن امکان انجام دادن آزمایش‌های پیچیده روی تجهیزات آزمایشگاهی ارزان‌تر و دستگاه‌های جدید می‌توانند به گسترش مراقبت از بیماران کمک کنند. وی افزود: پروتئین‌ها، هسته اصلی تشخیص‌هایی به شمار می‌روند که به شدت به پردازش آزمایشگاه مرکزی متکی هستند. حسگر زیستی ما، انجام دادن آزمایش‌هایی مانند نظارت بر دارو را روی تجهیزاتی که پیچیدگی کمتری دارند و احتمالا در آزمایشگاه‌ها و بیمارستان‌های کوچک هر منطقه یا نواحی دورافتاده یافت می‌شوند، امکان‌پذیر می‌سازد. آزمایش‌های آینده ممکن است به نمونه‌های بیولوژیکی کوچک‌تری نیاز داشته باشند و شاید پژوهشگران بتوانند ثابت کنند که یک حسگر زیستی می‌تواند سطح سیکلوسپورین A را در یک میکرولیتر خون، به دقت اندازه‌گیری کند. الکساندروف ادامه داد: این حسگر زیستی با توسعه بیشتر می‌تواند به انجام دادن آزمایش‌هایی کمک کند که نتایج را طی سه تا پنج دقیقه به پزشکان ارائه می‌دهند. به گفته الکساندروف، پیچیدگی و شکنندگی پروتئین موجب شد که ساخت و استفاده از حسگرهای زیستی پروتئینی دشوار شود اما طراحی ماژولار به کاهش یافتن مشکل کمک کرد. بدین ترتیب، شاید بتوان آن را برای هدف قرار دادن هر مولکول کوچکی و نه فقط داروها سازگار کرد. الکساندروف گفت: پروتئین‌های جدید توسط باکتری‌های مهندسی‌شده‌ای تولید شده‌اند که برای تولید مولکول‌های مصنوعی که به منظور شناسایی یک داروی خاص طراحی می‌شوند، تغییر یافته‌اند. وی افزود: حسگرهای زیستی پروتئینی، خاموش‌شده هستند و به یک مدار الکتریکی شباهت دارند که یک قطعه از آن گم شده است. فقط ماده بیوشیمیایی مورد نظر در مایعات انسانی مانند خون یا بزاق می‌تواند این مدار را کامل کند و سیگنالی را متناسب با مقدار نشانگر زیستی شناسایی‌شده روشن کند. هنگامی که حسگرهای زیستی پروتئینی فعال می‌شوند، تغییر رنگ را برای خوانش‌های مبتنی بر رنگ یا جریان الکتروشیمیایی ایجاد می‌کنند.

دانستنی‌ها

شناسایی ۲ پروتئین که به ترمیم عضلات آسیب‌دیده کمک می کنند

پژوهشگران آمریکایی در بررسی جدید خود به شناسایی دو پروتئین پرداخته‌اند که می‌توانند به ترمیم عضلات آسیب‌دیده کمک کنند. به گزارش ایسنا و به نقل از وب‌سایت رسمی دانشگاه هیوستون (U of H) آمریکا، گروهی از پژوهشگران توانسته‌اند پروتئین‌هایی را شناسایی کنند که برای ترمیم عضلات اسکلتی پس از جراحت حاد و آسیب‌های ناشی از دیستروفی ماهیچه‌ای دوشن (DMD) ضروری هستند. عضلات اسکلتی که استخوان‌ها را به هم متصل می‌کنند و به انسان امکان حرکت می‌دهند، ۵۰ تا ۷۵ درصد از کل پروتئین‌های بدن را در بر دارند. عضلات اسکلتی نه تنها فراوان‌ترین و پویاترین بافت بدن انسان هستند که برای حرکت و تنفس ضرورت دارند، بلکه کل متابولیسم بدن را نیز کنترل می‌کنند. بنابراین، هنگامی که عضلات اسکلتی به واسطه تروما یا بیماری‌های دژنراتیو آسیب ببینند، ممکن است شرایط پیچیده شود. آشوک کومار (Ashok Kumar)، از پژوهشگران این پروژه گفت: ما دریافتیم پروتئین IRE که روی غشای شبکه آندوپلاسمی قرار دارد و همچنین پروتئین XBP، برای ترمیم کارآمد عضله اسکلتی پس از جراحت و آسیب ناشی از دیستروفی ماهیچه‌ای دوشن، مهم هستند. درک مکانیسم‌های ورای بازسازی عضلات اسکلتی، در توسعه روش‌های جدید برای درمان انواع اختلالات ژنتیکی و اکتسابی دژنراتیو عضلانی، ضروری است. کومار ادامه داد: ما دریافتیم که ترمیم عضلات اسکلتی در مدل‌های آزمایشی که پروتئین IRE یا XBP از عضله اسکلتی آنها حذف شده، به طور قابل توجهی کاهش یافته است. این پروتئین‌ها به واسطه افزایش تکثیر سلول‌های بنیادی عضلانی، از ترمیم عضلات اسکلتی حمایت می‌کنند. حذف IRE۱ از عضلات اسکلتی، فراوانی سلول‌های بنیادی عضلانی را کاهش می‌دهد و امکان بروز دیستروفی عضلانی را بالا می‌برد. پژوهش‌هایی که در آزمایشگاه کومار در حال انجام شدن هستند، به بررسی این موضوع می‌پردازند که آیا فعال‌کننده‌های دارویی IRE۱ و XBP۱ که اخیرا توسعه یافته‌اند، می‌توانند ترمیم عضلات اسکلتی را پس از آسیب حاد و سایر بیماری‌های دژنراتیو عضلانی بهبود ببخشند. کومار افزود: این پژوهش، دامنه وسیعی در توسعه دارو برای بیماری‌های عضلانی اسکلتی دارد.

قاب

فردوس پری

سفالگری در کشمیر

پیشنهاد

جواد لگزیان

زندگی روزمره در سایه استالینیسم

«کمونیستم نوعی استبداد روسی است که وارونه شده باشد.»
شیلا فیتزپاتریک با بهره‌گیری از شواهد و آمار بر آن است از جنبه‌های مختلف، {زندگی شهری انسان شوروی را در عصر استالین مورد کند و کاو نقادانه قرار دهد. نویسنده در ابتدا تصریح کرده است، به منظور فهم ماهیت زندگی آن روزگار، نیاز به درک روشنی از واژه استالینیسم وجود دارد. به نظر می‌رسد هر پژوهشی پیرامون دوران عسرت و تباهی استالینی، ناگزیر از بررسی چنین واژه است.
در این کتاب مبخوانیم:رژیم استالین، گونه‌ای نادر از شورونیسم و تزاریسم وارونه‌ای بود که به جای پدیداری جامعه تراز نوین عادلانه و انسان خوشبخت که به زبان گزنده ویکتور ارافیف در رمان «استالین خوب»، می‌خواست آن‌قدر خوش باشد که انگار در آغوش خود خوبی زندگی می‌کند، بالعکس شخصیت و انسانیتش از کانون آرمان‌های اجتماعی حذف شد. و جای آن را دولت، به مثابه ماشینی گرفت که تنهای تنها یک مرد را بزرگ می‌کرد.به عبارت دیگر، جای انسان با یک ماشین بی‌چهره عوض شد، حقیقت تلخی که از جمله نظر ویکتور شرر کمونیست را هم جلب کرده است. شرر در سال ۱۹۳۷ که دوران اوج هماوردطلبی استالینی بود، نوشت: در حکومت استالینی، انسان هیچ ارزشی ندارد.میلوان جیلاس استالین را از نزدیک می‌شناخت و می‌دید که چگونه خودش را به دام انداخته است. در کتاب انسانیت: تاریخ اخلاقی سده بیستم، آمده است: شخص استالین هم خودش برده استبداد، دیوان‌سالاری، تنگ‌نظری و نوکرمآبی‌ای شده بود که بر کشورش تحمیل کرده بود. در واقع این گفته‌ای درست است که هیچ‌کس نمی‌تواند آزادی دیگری را بدون سلب آزادی خودش، سلب کند. ...
کتاب «زندگی روزمره در سایه استالینیسم» به قلم شیلا فیتزپاتریک با ترجمه نگین نوریان دهکردی و محمد تقی قزلسفلی در ۵۱۳ صفحه و توسط انتشارات امید صبا روانهٔ بازار کتاب شده است

فیلم بازی

مهاجمان صندوق گمشده

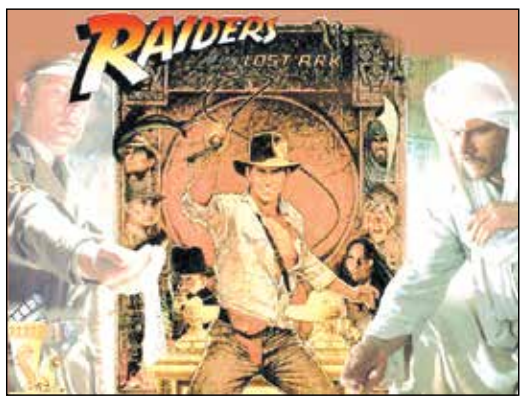

«مهاجمان صندوق گمشده» فیلمی سینمایی از گونه ماجراجویانه به کارگردانی استیون اسپیلبرگ است که در سال ۱۹۸۱ میلادی بر پرده سینماها به نمایش درآمده است. داستان فیلم در سال ۱۹۳۶ است که سرویس‌های امنیتی به ایندیانا جونز ماجراجو مأموریت می‌دهند، مدال «را» را که در اختیار میخانه‌داری به نام «ماریون راون وود»، معشوقه پیشین ایندی (ایندیانا جونز)، در نپال است، به چنگ آورد. این اثر هنری مصر باستان، نخستین گام در دستیابی به صندوق عهد گمشده‌ای است که موسی پیامبر یهودیان، لوح ده فرمان را در آن گذاشته بوده و اکنون این صندوقچه در تانیس مدفون است.
از بخت بد نازی‌ها نیز به دنبال آن هستند، چرا که دربردارنده قدرتی است که پیروزی بزرگ را برایشان به ارمغان می‌آورد. درگیری با نازی‌ها برای دستیابی به لوح، ماجراهای پرتنشی در پی دارد. ایندی که از مار به شدت بدش می‌آید، با صدها مار کبرای سمی در معبد محل دفن لوح، روبرو می‌شود. این فیلم برنده ۴ اسکار (برنده اسکار بهترین جلوه‌های ویژه، برنده اسکار بهترین تدوین، برنده اسکار بهترین صدا و برنده اسکار بهترین طراحی هنری) و کاندیدای ۵ اسکار دیگر (کاندیدای اسکار بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان، کاندیدای اسکار بهترین موسیقی متن، کاندیدای اسکار بهترین فیلمبرداری، کاندیدای اسکار بهترین کارگردانی و کاندیدای اسکار بهترین فیلم) در سال ۱۹۸۲ شد.

روزنامه‌بازی

روزنامه جام جم – ۲ دی ۱۳۸۰

تیتر اول جام جم به سخنان سید محمد خاتمی رئیس جمهور اختصاص داشت: «تاکید خاتمی بر ادامه روند اصلاحات در چارچوب قانون / باز هم می‌گویم اعتدال». دیگر سخنان خاتمی که در صفحه اول جام جم انعکاس یافت عبارت بودند از: از اعتدالی که گفتم سوء استفاده شد / من هم باید در چارچوب قانون عمل کنم / موظفم از خشونت بپرهیزم و بپرهیزانم / از شعارهایم دست برنداشته ام / منتقدان، دولت را در طرح‌های اقتصادی یاری کنند / تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی قانونی است و باید اجرا شود.

چهره‌ها

منوچهر حامدی؛ بازیگر

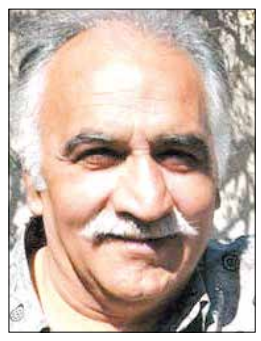

رضا حامدی خراسانی (زاده ۱۳۱۸ تهران - درگذشته ۱۳۷۴ عباس‌آباد تنکابن) با نام هنری منوچهر حامدی بازیگر ایرانی تئاتر، سینما و تلویزیون بود. وی فعالیت هنری خود را در سال ۱۳۳۷ و با بازی در تئاتر آغاز نمود و در همان سال‌ها از کلاس‌های هنرپیشگی «تئاتر نصر» فارغ‌التحصیل شد. او همچنین مدتی به بازی در نمایش‌های تلویزیونی زنده مشغول بود. وی فعالیت سینمایی خود را با بازی در فیلم «ستاره‌ای چشمک زد» در سال ۱۳۴۲ آغاز نمود. حامدی فعالیت سینمایی خود را پس از پیروزی انقلاب ادامه داد و در جشنواره یازدهم و سیزدهم فیلم فجر در سال ۱۳۷۱ و ۱۳۷۳، نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش دوم مرد شد. شبگرد، کمال الملک، طائل، اجاره‌نشین‌ها، مردی که زیاد می‌دانست، پاک‌باخته، مشت و مجموعه تلویزیونی آوای فاخته از جمله آثاری است که منوچهر حامدی در آنها به ایفای نقش پرداخت.
منوچهر حامدی سرانجام پس از پایان تصویربرداری فیلم نخل محبت در عباس‌آبادِ تنکابن، هنگام عبور از عرض جاده، بر اثر برخورد با یک خودروی سواری در ۵۶ سالگی جان سپرد. پیکر او را در بهشت زهرا به خاک سپردند.

میخائیل کلاشنیکف؛ مخترع کلاشینکف

میخائیل تیموفیویچ کلاشنیکف (زاده ۱۹۱۹ - درگذشته ۲۰۱۳) مخترع روسی سلاح آ-کا-۴۷ موسوم به کلاشنیکف است.
وی در سال ۱۹۱۹ در شمال روسیه در یکی از روستاهای منطقه سیبری در خانواده‌ای فقیر متولد شد. سطح تحصیلات وی پایین بود به طوری که نتوانست دوران متوسط را طی کند. در سنین نوجوانی وارد ارتش شوروی شد. در سال ۱۹۴۱ طی یکی از حملات ارتش شوروی به نیروهای آلمان نازی میخائیل کلاشینکوف در شهری به نام تانکش مجروح و در بیمارستان بستری شد. او در بیمارستان تصمیم گرفت که با در هم آمیختن ویژگی‌ها و کاربردهای سلاح آمریکایی ام۱ گرند و تفنگ آلمانی اس‌تی‌جی ۴۴ یک تفنگ خودکار طراحی و تولید کند. ساخت این سلاح در سال ۱۹۴۷ تکمیل و پس از آن در سال ۱۹۵۱ به‌طور رسمی وارد ارتش شوروی شد.
میخائیل کلاشنیکف بیست و اندی ساله بود که اندکی پس از جنگ جهانی دوم تفنگ«۴۷»AK- را ابداع کرد. از آغاز تولید کلاشنیکف تاکنون بیش از صد میلیون قبضه از مدل آ-کا-۴۷ در کارخانه تولید این سلاح در شهر ایژوسک روسیه یا سایر کشورها با مجوز قانونی یا به‌طور غیرقانونی ساخته شده‌است.
میخائیل کلاشنیکوف سازنده اسلحه کلاشنیکوف گفته است: «اسلحه کلاشنیکوف را برای جلوگیری از پیشروی آلمان بسوی شوروی ساختم و قصد نداشتم این اسلحه در عملیات تروریستی مورد استفاده قرار گیرد.» به گزارش فارس به نقل از پایگاه اینترنتی «مسکونیوز»، کلاشنیکوف ۸۶ ساله می‌گوید: هر وقت در تلویزیون می‌بینم اسلحه‌ای که برای دفاع از سرزمین مادری‌ام ساختم در دستان اعضای القاعده و گروههای تروریستی است، از خود می‌پرسم چطور این اسلحه بدست آنها رسیده است؟» اما واقعیت چیزیست که در تاریخی که کاشنیکف سلاح مشهورش را طراحی کرد، نمی‌توانست آنرا پیشبینی کند! سلاح وی آنچنان ساده است که تنها در کارگاهی که امکان خانکشی لوله وجود دارد امکان ساخت این سلاح نیز موجود است و بدین طریق تخمین زده می‌شود که بسیاری از سلاحهای موجود در دست تروریستها ساخت کارگاه‌های زیرزمینی است. علاوه بر آن سلاح معروف کلاشنیکف سلاحیست که نیاز چندانی به تمیزکاری ندارد و رفع گیر آسان و برد نسبتا قابل توجهی دارد. کلاشنیکف که در سن ۹۰ سالگی کم بنیه اما همچنان تیزهوش به نظر می‌رسد در مراسمی گفت: «اگر می‌خواهید کسی را مقصر بدانید آلمان‌های نازی را به خاطر اینکه مرا مجبور کردند طراح سلاح شوم، مقصر بدانید!» وی افزود: «البته من همواره می‌خواستم که دستگاه‌ها و ماشین‌آلات مورد نیاز کشاورزی بسازم.»
کلاشنیکف از بیماری قلبی رنج می‌برد و در ماه ژوئن ۲۰۱۳ در بیمارستان مرکزی مسکو تحت مداوا قرار گرفت. وی پس از بهبودی نسبی در ماه سپتامبر ۲۰۱۳ به ایژوسک مرکز جمهوری اودمورتی روسیه بازگشت اما از ۱۷ نوامبر ۲۰۱۳ بار دیگر در بیمارستان بستری شد.
میخائیل کلاشنیکف، سازنده تفنگ تهاجمی معروف کلاشنیکف روز دوشنبه، دوم دی ۱۳۹۲ برابر ۲۳ دسامبر ۲۰۱۳، در سن ۹۴ سالگی در شهر ایژوسک، در نزدیکی کوه‌های اورال درگذشت.